

مدیریت پیامدهای هشداردهی غلط

حمیدرضا نادى^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۳۰

چکیده

آگاهی از نيات دشمن و اینکه چه تصمیمی دارد همیشه جزو نیازمندی‌های سیاست‌گذاران یک کشور به حساب می‌آمده است. از این رو، سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در پاسخ به آن با ارائه هشدار در قبل از وقوع یک رویداد، مهم‌ترین عامل برای جلوگیری از غافلگیری بوده‌اند، اما همان اندازه که یک هشدار به موقع از بروز خسارت و شکست جلوگیری می‌کند، ممکن است در فرایند دیگری همانند فریب همین هشدار خسارت بزرگ‌تری به بار آورد. گرچه احتمال خطا جزئی از یک هشدار بوده و نمی‌توان با فرض وقوع خطا از صدور هشدار پرهیز کرد، اما لازم است برای مدیریت عواقب ناشی از هشدار غلط، تمهیدات لازم اندیشیده شود. بنابراین سؤال اصلی این مقاله آن است که چگونه می‌توان پیامدهای هشداردهی غلط را مدیریت کرد؟ در پاسخ به این سؤال با بهره‌گیری از نظرات یازده نفر از نخبگان و صاحب‌نظران اطلاعاتی و امنیتی که به صورت هدفمند و با روش گلوله برفی نمونه‌برداری و تا زمان ایجاد اشباع نظری ادامه یافته، ابتدا این پیامدها شناسایی و سپس در قالب چهار بعد دانش، روش، منش و بینش در نظام هشداردهی تمهیدات لازم از قبیل بازآموزی و مهارت‌افزایی تحلیل‌گران، اصلاح و بازبینی فرایند جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن، بررسی و کنترل ذهنیت و پیش‌فرض‌های تحلیل‌گران و موارد مهم دیگری برای مدیریت این پیامدها ارائه گردیده و در نتیجه‌گیری نیز مدل مفهومی آن ذکر شده است.

کلید واژگان: هشدار، هشداردهی، تحلیل، پیام

^۱ استادیار دانشکده فارابی Hrnadi47@gmail.com

مقدمه

هشداردهی که از آن به‌عنوان نشانه‌شناسی اطلاعاتی نیز نام برده می‌شود، عمدتاً به دوران بعد از جنگ جهانی دوم و به شکلی تخصصی‌تر، به روزهای اولیه دوران جنگ سرد مربوط است. بسیاری از مشکلات و تکنیک‌هایی که امروزه در مورد تحلیل علائم یا هشدارها ارائه می‌گردد، در طول جنگ جهانی دوم تشخیص داده و به کار گرفته شدند. تاریخ جنگ حاوی موفقیت‌های اطلاعاتی چشمگیری در پیش‌بینی اقدامات طرف مقابل و همچنین شکست‌های مهمی بوده که از بارزترین نمونه‌های تاریخی شکست هشداردهی می‌توان به موضوع حمله ژاپنی‌ها به پرل هاربر و همچنین حمله آلمان نازی به شوروی سابق اشاره نمود.

با این وجود، با اینکه امروزه هشداردهی اطلاعاتی ارتباط نزدیکی با نظام‌های اطلاعاتی کنونی، ارزیابی‌ها و برآوردهای اطلاعاتی دارد، تا حدودی شکل متمایزی به خود گرفته است. به طوری که انتظار اصلی از کارکرد هشداردهی، پیش‌بینی اقدامات آینده دشمنان است، البته تا جایی که اطلاعات جمع‌آوری شده و تحلیل‌ها اجازه می‌دهند. نقش این کارکرد همچنین فراهم کردن بهترین امکان در کوتاه‌ترین زمان برای قضاوت سیاست‌گذاران و فرماندهان نظامی در مورد برخی اقدامات خصمانه در حال وقوع علیه امنیت ملی است. اگرچه هشداردهی فرایندی است که نیازمند جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و نشر و یا تهیه مناسب گزارش هشداردهی است، ولیکن پذیرش سیاست‌گذاران نیز جزء مهم‌ترین عوامل قابل ذکر در این فرایند است. در نظام هشداردهی همیشه این مسئله وجود دارد که آیا فرایند طی شده به‌نحوی بوده که بتواند سیاستمداران و تصمیم‌گیران را به وقوع رویدادی قریب‌الوقوع و یا در شرف تکوین متقاعد نماید یا نه؟

در حال حاضر، مسائل متعددی می‌تواند علیه منافع و امنیت کشورها به‌وجود آید، همچون کودتا، شروع جنگ داخلی، رבוده شدن دیپلمات‌ها، نزاع بین دو کشور، ارسال کمک‌های نظامی جدید برای دشمن، عملیات تروریستی و بسیاری دیگر از تحولات سیاسی و نظامی که همگی از جمله مسائل موردتوجه‌اند و کارکرد نظام‌های اطلاعاتی تا جایی که ممکن باشد، پیش‌بینی چنین تحولات و آگاه کردن سیاست‌گذاران است. در این خصوص، «هشداردهی» را می‌توان مسئولیت نامحدود نظام‌های اطلاعاتی در مورد هر رویدادی در هر جای دنیا دانست. اما آنچه برای

سیاستمداران و تصمیم‌گیران نظام سیاسی اهمیت دارد کسب هشدارهای صحیح و تا حد امکان نزدیک به واقعیت است که تحقق این امر برای سامانه‌های اطلاعاتی همیشه چالش جدی است. هشداردهی گرچه اساساً بر پایهٔ احتمالات استوار بوده و نظام اطلاعاتی بر حسب اطلاعات کسب نموده به تحلیل وضعیت پرداخته و به‌نوعی آینده را پیش‌بینی می‌نماید، ولیکن در صورت پیش‌بینی اشتباه و تحلیل نادرست از رویدادها، پیامدهای متعددی را هم برای کشور و هم برای خود نظام اطلاعاتی به‌وجود می‌آورد. از این‌رو، دغدغهٔ محقق و مسئلهٔ اصلی که در این مقاله به آن پرداخته شده این است که ضمن بررسی این پیامدها، چگونگی مدیریت عواقب ناشی از هشداردهی غلط را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین سؤالات اصلی این پژوهش آن است که «هشداردهی غلط چه پیامدهایی دارد؟ و چگونه می‌توان این پیامدها را مدیریت نمود؟».

این تحقیق از نوع کیفی و به روش موردی - زمینه ای تهیه گردیده و ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت مصاحبهٔ عمیق و پرسش‌نامهٔ باز بوده که حجم نمونه به‌صورت هدفمند و به روش گلوله برفی انتخاب و تا زمان اشباع نظری ادامه یافته است. به‌طوری‌که نظرات تعداد ۱۱ نفر از مدیران عالی امنیتی و پژوهشگران و نخبگان این حوزه جمع‌آوری و پس از استخراج مفاهیم و کدگذاری آنها مفاهیم مشترک گردآوری و بهره‌برداری گردیده است.

مفهوم‌شناسی

چیستی هشدار و هشداردهی

هشدار محصول استدلال منطقی و فرضیه‌ای است که اعتبار آن نه می‌تواند تأیید شود و نه می‌تواند تا آن زمان که دیگر دیر شده باشد، رد شود. هشدار واقعیت نیست؛ جوهره‌ای ملموس، قطعیت و یا فرضی ردشدنی است. امری نیست که ظریف‌ترین دستگاه‌های جمع‌آوری اطلاعات انتظار تولید آن را داشته باشند و یا چیزی که بتواند به سیاست‌گذاران با جملهٔ (بفرمائید، حالا دیگر داریمش) انتقال یابد. هشدار باید مثل عقاید جدید یا پیچیده، با درجات مختلفی از درک یا اطمینان بسته به عوامل زیادی در نظر گرفته شود (تحلیل هشدار، ۱۳۹۴: ۲۲).

هر موجود زنده‌ای دارای اندام و اعضای است که در زمان بروز خطر برای انجام واکنش مناسب، از آن استفاده می‌نماید. بدین‌وسیله موجودات به‌سرعت نسبت به شرایط خطرناک و بحرانی واکنش نشان داده و از منطقه خطر خارج شده یا فرار می‌کنند و یا با آن مقابله می‌کنند. از این‌رو، بسیاری از صاحب‌نظران قائل به این موضوع هستند که هشدار صرفاً نشانه و علامت است و نه خود تهدید. نکته اصلی درباره مفهوم هشدار آن است که این فرایند بایستی به‌طور مشخص احتمال بروز خطر^۱، مخاطره^۲، تهدید^۳ و نهایتاً هر آنچه عنوان بحران بر آن می‌نهمیم را روشن سازد. به عبارتی، هشدارهای امنیتی پیرامون همان مقولات و موضوعات امنیتی (به هر تعبیری از امنیت اعم از رهایی از ترس، رهایی از نیاز و تصورات انسان‌مدارانه از امنیت) مطرح می‌شود و احتمال بروز مخاطرات راه، به‌عنوان ویژگی مرکزی^۴ امنیت، مشخص سازد. به زبان روان‌تر، هشدار تعیین احتمال بروز یک حادثه معین با توجه به بزرگی پیامدهای خاص آن حادثه است که منجر به شکل‌گیری یک تصور عمومی درباره خطرات و آسیب‌های پیش روی می‌شود و نوعی تصورات مخاطره‌ای^۵ را ایجاد می‌کند، با این امید که موجب تولید و تشدید حساسیت‌ها در نزد تصمیم‌گیرندگان شود و پاسخ‌های مخاطره‌ای را دریافت کند (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

«بنابراین هشدار احتمالی است که یک خطر می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای زندگی، دارایی‌ها^۶ یا محیط انسانی ایجاد کند.» (National Research Council، 1996: 23)

به‌طور مشخص مخاطره یک وضعیت میانی بین امنیت و فروپاشی است و هشدار ابزار یا روندی است که احتمال عینیت یافتن مخاطره را روشن می‌سازد. مخاطره از عدم اعتماد به امنیت شروع می‌شود.

تفاوت مفهومی تهدید و هشدار

در هشدارهای اطلاعاتی^۷ با علائم و نشانه‌هایی روبه‌رو هستیم که نشان‌دهنده به خطر افتادن منافع ملی و ارزش‌های اساسی هستند. اما باید دقت کرد هشدارها بایستی نشان‌دهنده تحقق

¹ Danger

² Risk

³ Threat

⁴ Core

⁵ Imaging Risk

⁶ Property

⁷ Intelligence Warning

این شرایط باشند و نه آنکه شاخص‌های تهدید باشند. به عبارتی بین شاخص‌های تهدید (که ممکن است محقق شوند یا محقق شده‌اند) و هشدار تفاوت وجود دارد. هشدار صرفاً نشانه و علامت است و نه خود تهدید، مثلاً مانور مشترک کشور همسایه با قدرت خارجی رقیب و یا کشف مقادیر زیادی سلاح در نقطه مرزی نشان‌دهنده فشار و تهدید سیاسی - نظامی رقیب یا یک عملیات تروریستی است، اما نه خود عملیات نظامی یا تروریستی. بنابراین بایستی توجه داشت که هشدارها در حکم نشانه، نماد و زمینه تحقق تهدید هستند و نه خود تهدید. اکنون باید به یک ویژگی مهم هشدارها که عبارت است از «تمایزات تشخیص»، تأکید شود. به این معنا که هر نظامی از هشدارها باید گویای شکل‌گیری یک تهدید خاص باشد و نه اینکه هر هشدار استعداد نمایش تهدیدها و بحران‌های متفاوت را داشته باشد. البته منظور مجموعه هشدارهای مربوط به یک تهدید است و نه صرف یک هشدار، چراکه در طراحی نظام هشداردهی در برابر بروز یک تهدید، بایستی مجموعه‌ای از شاخص‌ها و نشانه‌ها را به‌عنوان هشدارهای یک رخداد یا واقعه تهدیدآمیز در نظر گرفت (CISC, 2007: p. 12).

برای مثال، عملی شدن تهدید نظامی و وقوع جنگ یا منازعه مسلحانه بین دو کشور منوط به تحقق ده‌ها شرط (یا همان هشدار) است و نمی‌توان صرفاً به یک هشدار تکیه کرد، لذا هر چند یک علامت می‌تواند در تشخیص چند هشدار به‌کار برود اما در مجموع علائم و نشانه‌های هر تهدید، بایستی به‌عنوان یک بسته منسجم^۱ متفاوت از مجموع علائم و نشانه‌های تهدیدات دیگر باشد. برای رسیدن به درک دقیق‌تر از مفهوم هشدار باید تصریح کرد که هشدار چه چیزهایی نیست. هشدار یک واقعیت، یک امر اثبات‌شده، یک وضعیت قطعی و یا حتی یک فرضیه احتمالی هم نیست. برعکس، هشدار یک انتزاع، یک تئوری، یک قیاس و یا به عبارتی یک عقیده است که البته محصول یک استدلال منطقی بوده و فرضیه‌ای است که قابل اعتبارسنجی باشد. بنابراین هشدار یک محصول یا کالای شسته‌ورفته^۲ نیست. همین‌طور هشدار هر چیزی نیست که توسط تحلیل‌گران و سازمان اطلاعاتی تولید می‌شود. هم‌چنین هشدار نبایستی به‌عنوان اطلاعات جاری^۳ در نظر گرفته شود، چراکه هشدار در پی ارائه ذهنیت‌هایی در خصوص بحران‌های پیش روی است.

¹ Package

² Commodity

³ Current Intelligence

اطلاعات جاری صرفاً درباره بحران‌ها نیست. هشدار یک واقعیت تکمیل شده و عینی نیز نباید تلقی شود، بلکه گزارش‌هایی درباره روند امور آتی است. از سوی دیگر، هشدار یک اجماع یا توافق عمده و کلان نیز نیست که مورد اجماع همه کارشناسان و تحلیل‌گران باشد (Graboo, 2010: 19-15).
در عوض، هشدار محصول یک تلاش عمده تحقیقاتی و فرایند گسترده جمع‌آوری اطلاعات، یک برآورد احتمالی^۱، قضاوت و داوری برای تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران^۲ و کمک به آمادگی‌های مسئولیت اجرائی است. به عبارتی هشدار بایستی در خدمت نظام تصمیم‌گیری و با توجه به مجموع سلايق و امکانات آنها ارائه شود (Ibid, 30-23).

الزامات عملیاتی هشدار

هشدار تا زمانی که به سیاست‌گذار انتقال داده نشده، هشدار نیست. هشدار آنی که تنها در ذهن تحلیل‌گر وجود دارد، بی‌استفاده است و باید با استفاده از ابزاری به آنهایی که به آن نیاز دارند، انتقال داده شود.

تحلیل‌گران اطلاعاتی باید از ارائه اظهارات فاقد هشدار روشن و صریح و حتی ارائه مواردی از وضعیت دشمن که عدم قطعیت را به ذهن سیاست‌گذار متبادر می‌کند، خودداری کنند. در جایی که هشدار دغدغه می‌شود، اطلاعات باید اطمینان یابد که به اندازه کافی با صدایی بلند، آن را ابراز داشته است. زمانی که تهدیدی درباره اقدام نظامی وجود دارد، فرصتی برای بیان واژگان صریح و مستقیم وجود ندارد. اگر سیاست‌گذار پیام را نگیرد، بعید است تقصیر او باشد که هرگز در قدم نخست، هشدار به وی تفهیم نشده است (تحلیل هشدار، ۱۳۹۴: ۴۰).

هدف هشدار اطلاعاتی آن است که سیاست‌گذار را برای اتخاذ بهترین تصمیم ممکن در پرتوی حقایق و قضاوت‌هایی که برای وی ارسال شده، قادر سازد و اگر لازم باشد، اقدام نظامی یا سیاسی برای مقابله با حمله تهدیدکننده ترتیب دهد. اگر او قانع نشده یا بنا به دلایلی نتواند

¹ Assessment of Probabilities

² Policy Makers

اقدامات لازم را اتخاذ کند یا این کار را نکند، تلاش اطلاعاتی بیهوده بوده و اگر هیچ اقدامی در پیش گرفته نشود، ممکن است شکست یک کشور را به دنبال داشته باشد و این کار ویژه هشدار است. کنش‌هایی در سطح سیاسی اتخاذ می‌شوند که اطلاعات تا اندازه‌ای کمتر به شکل مستقیم در آنها مشارکت داشته است یا آنکه سیاست‌گذاران از روند رسمی اطلاعات برای گرفتن اقداماتی برای ممانعت از کنش‌های تهدیدگراانه دشمن یا دولت‌های بالقوه متخاصم فراتر رفته‌اند. مسئله مهم آن است که در پایان کنش، تصمیم مقتضی گرفته شود، آن‌هم زمانی که ضروری است تا از منافع امنیت ملی و امنیت هم‌پیمانان حفاظت کند. بدون این اصل کارویژه هشداردهی شکست خواهد خورد، هرچند که تلاش‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آنها درخشان باشد.

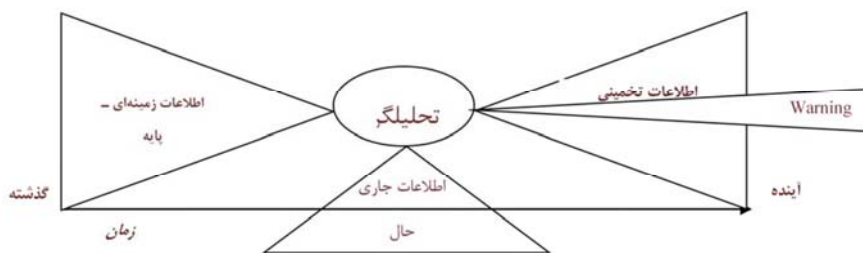
الزامات تحلیلی هشدار

از آنجاکه وظیفه اصلی تحلیل‌گر مسائل جاری، نگارش اطلاعات هشداردهنده نبوده و تولید عناصر خوب جاری است، او ضرورتاً مجبور است تا شمار زیادی از نشانه‌های مختلف را از گزارش روزانه خود حذف کند. چون نشانه‌ها به تنهایی، بسیار بی‌اساس بوده و باهم تناقض دارند و برخی به مسائل جاری مربوط نمی‌شوند. با کمک این موارد تحلیل و گزارش جاری از هم تمیز شده یا داده می‌شود. در زمان عادی، تحلیل‌گر جاری باید با حجم عظیمی از مواد خام دست‌وپنجه نرم کند. او ممکن است در بحران، درگیر بسیاری از جمله اطلاعات بی‌شمار، بلکه با تقاضاهای روزافزونی از سوی مقامات ارشد خود برای کسب خلاصه، تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها و موارد مشابه آن روبه‌رو گردد. متخصصان هشدار نباید زیر فشار قرار گرفته یا تمرکز آنها با مطالباتی در رقابت با تحمیل تحلیل‌گران جاری برهم بخورد و بایستی توجه خود را تنها بر نشانه‌های بالقوه معطوف نمایند و تحلیل‌هایشان را بر عمق مسائل متمرکز کنند و ارزش اطلاعات پایه و درک کنش دشمن خود را بشناسند.

شایستگی تحلیل‌گران سیاسی و نظامی این است که به راحتی با تسلط بر موج تحولات جدید و رویدادهای ناگهانی، نشانه‌ها را جستجو کرده و آنها را گزارش نمایند. ضروری است که تحلیل‌گر، هم به موقع اطلاعات را دریافت کند و هم به موقع آنها را استفاده کند، چرا که ممکن است نشانه‌ای دال بر خصومت در آنها وجود داشته باشد. همچنین تحلیل‌گران نمی‌توانند از جریان

آن دسته از اطلاعاتی که در حال آمدن هستند، عقب بمانند؛ چرا که ممکن است برخی از عناصر مهم را از دست بدهند. بهترین تحلیل‌های هشداردهنده، محصولی از بازبینی‌های پیوسته و مفصل از تمامی اطلاعاتی هستند که هفته‌ها و ماه‌ها پیش تهیه شده‌اند و گاه به موضوعات فعلی ارتباط پیدا می‌کنند و گاه درک اولیه قوی‌ای از هدف‌ها، رهنامه، عملکرد و سازمان‌های دشمن دارند (تحلیل هشدار، ۱۳۹۴: ۲۴).

انتظاری که از تحلیل اطلاعاتی می‌رود آن است که از طریق آینده‌نگری و ارائه انواع پیش‌بینی‌های محتمل و ممکن و در نظر گرفتن انواع حالات یا وضعیت‌های ممکن از دامنه غافلگیری‌ها بکاهد. اساساً کانون یا تمرکز^۱ فعالیت و تحلیل اطلاعاتی را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد که طبعاً منجر به تولید چهار نوع اطلاعات متفاوت نیز می‌شود. (۱) اطلاعات پایه^۲، (۲) اطلاعات جاری^۳، (۳) اطلاعات تخمینی^۴ (یا پیش‌بینی)، (۴) اطلاعات هشداردهنده^۵ که در شکل ذیل قابل مشاهده است (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).



شکل شماره ۱: تمرکز فعالیت‌ها و تحلیل اطلاعاتی

مسلماً نمی‌توان مشخص کرد در چه زمانی و در چه شرایطی، یک موقعیت و یا منطقه خاص به وسیله تحلیل‌گر مورد بررسی و یا قضاوت قرار می‌گیرد. باین‌حال، بحران فوری یا تهدید وجود داشته باشد یا نه، کارکرد اطلاعات هشداردهنده، بررسی مستمر (و در صورت نیاز، تهیه گزارش دوره‌ای یا روزانه) هر تحولی است که نشان دهد آیا دشمن در حال تدارک یا انجام برخی

¹ Scopes

² Basic

³ Current I.

⁴ Estimative I.

⁵ Warning I.

اقدامات جدید علیه منافع امنیتی کشور است یا نه. تحلیل اطلاعاتی، تحولات، اقدامات یا طرح‌های ممکن (نظامی، سیاسی و اقتصادی) را در کل جهان بررسی می‌کند تا هر نوع نشانه تغییرات محتمل در سیاست‌ها یا تدارکات را برای برخی اقدامات خصمانه در آینده در نظر بگیرد. این اقدامات، ارزیابی تهدید یا تغییر ماهیت اقدامات خصمانه آینده را به سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد که معمولاً شامل برخی بحث‌های تحلیلی مبتنی بر شواهد در دسترس برای حمایت از استنتاج‌ها است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

عوامل مؤثر در هشداردهی غلط

هرگاه هشداردهی نتایج غلطی را به دنبال داشته باشد و یا به عبارتی سامانه‌های اطلاعاتی و امنیتی در تحلیل مناسب و متقن داده‌ها دچار اشتباه گردند و شکست هشداردهی پیش آید، بایستی دلایل اصلی آن را در موارد ذیل جستجو کرد.

۱. منابع غیرمعتبر خبری و ارزیابی نادرست از خبر

منابع خبری و اخبار جمع‌آوری شده یکی از مهم‌ترین ارکان در فرایند هشداردهی است که اگر کارکرد ناصحیحی داشته باشند و فرایند پردازش اخبار به غلط صورت گیرد بایستی انتظار پیامدهای منفی در هشداردهی بود.

برای تحلیل گر، هیچ چیز فرسایشی‌تر، گمراه‌کننده‌تر و یا زمان‌برتر از دریافت حجم عظیمی از گزارش‌ها و منابع تعریف‌نشده با درجه عدم اطمینان از آنها یا دسترسی غیرتخصصی به اطلاعاتی که نیازمند دانستن آن است، وجود ندارد؛ همان اطلاعات خامی که مأمور جمع‌آوری اطلاعات گردآوری نموده است، بی‌آنکه نظر یا ارزیابی خود را در جهت کمک به کارشناس هشدار ارائه نماید. متأسفانه، بحران‌ها یا بحران‌های بالقوه به سه علت منجر به تهیه چنین گزارش‌هایی می‌شوند: اول، نظام جمع‌آوری اطلاعات خود معمولاً به دنبال تولید اطلاعات بیشتر است؛ از این رو بیشتر منابع آنها ناشناخته، نامطمئن و یا تعیین‌ناپذیرند؛ دوم آنکه تعریف بحران، خود حجم زیادی از گزارش را تولید می‌کند که دامنه وسیعی از بسیار خوب تا غیرقابل اعتماد را دربرمی‌گیرد و در آخر اینکه سرویس‌های

اطلاعاتی و امنیتی به دلایل ویژه خود، در تولید گزارش دخیل‌اند. در زمان بحران قریب‌الوقوع، لازم است ارتباط بیشتری بین مأمور جمع‌آوری و دریافت‌کننده اطلاعات برقرار شود تا زمان و انرژی ارزشمند با خطوط راهنمای غلط، گزارش‌های دو برابر شده یا اطلاعات سؤال‌برانگیز، هدر نرود (علیخانی، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۰).

۲. تحلیل‌گر غیرحرفه‌ای و تحلیل ناقص

هیچ عاملی برای هشداردهی بیشتر از بی‌طرفی در تحلیل داده‌ها و درک واقع‌بینانه از وضعیت آنها، همان‌گونه که واقعاً هستند، از اهمیت برخوردار نیست. بی‌طرفی، توانایی کنار گذاشتن پیش‌پنداشت‌های خود از آنچه کشور دیگری باید به انجام برساند یا چگونه باید رفتار کند و نگاه واقع‌گرایانه به تمامی شواهد است. این کارها برای تجزیه و تحلیل نشانه‌ای و صدور قضاوت هشداردهنده نهایی در هر مرحله از فرایند، حیاتی هستند. هراندازه تجربه فرد در زمینه هشدار بیشتر باشد، به احتمال زیاد او بیشتر این عینیت و توانایی همراه با آن را باور کرده است؛ یعنی دیدن همان وضعیتی که دیگر همکارانش می‌بینند و تنها عامل بسیار مهم در هشداردهی است. بسیاری از شکست‌های هشداردهی به شکست افراد، هم فردی و هم جمعی، منتسب هستند که نتوانسته‌اند با بررسی واقع‌بینانه شواهد و یا از طریق احساسات ذهنی خود از وضعیت، به نتیجه‌گیری از آن برسند. در گردآوری نشانه‌ها و شاخص‌های تحلیلی، تحلیل‌گران به سه منبع اصلی دانش تکیه دارند: پیشینه تاریخی بلندمدت یا منطقی، دانش خاص در مورد دکترین نظامی یا اقدامات کشور موردنظر و درس‌های فراگرفته از رفتار کشور یا کشورها در طول جنگ یا بحران بین‌المللی اخیر. اولین مورد (پیشینه تاریخی بلندمدت یا منطقی) به‌طور روشنی مهم است. صرف‌نظر از چیزی که ما در مورد دکترین یا تحولات اخیر یک کشور می‌دانیم، تاریخ به ما می‌گوید که همه کشورها الزاماً یا احتمالاً اقدامات خاصی را قبل از آغاز مخاصمه انجام می‌دهند. آنها حداقل باید پشتیبانی لازم برای نیروهای خود را فراهم کنند، آنان را جابه‌جا کنند و یا بر اساس درجات مختلف تغییر دهند و ترتیبات را برای حمله مشخص سازند و با توجه به دامنه و ناحیه جغرافیایی حمله و میزان نتایج احتمالی جنگ، ابزارهای نظامی بسیار متنوع یا اضافی را به لحاظ دفاعی و تهاجمی

برمی‌گزینند. اغلب کشورها از ابزارهایی برای آماده کردن مردم خود و شاید افکار عمومی جهانی در مورد اقداماتشان استفاده می‌کنند و اگر جنگ ابعاد بزرگی پیدا کرد یا برای دوره‌ای طولانی ادامه یافت، از تخصیص منابع مالی مجدد که قبل از جنگ موردنظر است، استفاده می‌کنند. با این حال، تحلیل‌گران و مأموران جمع‌آوری بیشتر نیازمند رهنمودهای تخصصی‌اند تا مفاهیم عمومی؛ بدین سبب، دانش خاص در مورد دکتترین نظامی یا اقدامات یک کشور کمک قابل‌ملاحظه‌ای خواهد کرد (تحلیل هشدار، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۰).

یک تحلیل‌گر خوب هشداردهی لازم است از ویژگی‌های بنیادی فکری هدایت‌یافته و منش متعالی برخوردار باشد؛ به طوری که پیش‌فرض‌های ذهنی خود را بر واقعیت‌ها ترجیح ندهد. از مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های فکری و شخصیتی تحلیل‌گر خوب می‌توان موارد ذیل را برشمرد که در صورت فقدان آنها بایستی به هشدار تهیه‌شده از سوی این‌گونه تحلیل‌گران به دیده‌ی شک نگریست (علیخانی، ۱۳۹۳: ۱۶۰ - ۱۵۱).

ویژگی شخصی	ویژگی فکری
علاقه و انگیزه	کنجکاو و سیری‌ناپذیر
تمایل به ریسک و اشتباه کردن	دقت در انجام تحقیقات
توانایی بی‌نهایت برای کار سخت	قوة تخیل
بی‌تفاوتی در مورد پاداش و قدردانی	حافظه قوی
ابتکار	شناسایی مسائل مهم
حس مسئولیت	توانایی داشتن فرضیات مختلف
استقلال در قضاوت	ارائه مستدل

جدول شماره ۱: ویژگی‌ها

غافلگیری، مفروض تحلیل

یک تحلیل‌گر واقعی بایستی غافلگیری را یک مفروض در تحلیل بداند و یقین داشته باشد که این فرض وجود دارد که دشمن در حال تلاش برای غافلگیر کردن است و اگر دشمن نتواند اقداماتی را که در حال انجام آن است کاملاً پنهان کند، دست‌کم تلاش می‌کند در مورد برخی جنبه‌های طرح و آماده‌سازی خود، تحلیل‌گر را گمراه نماید. به همین علت، تحلیل‌گر هشداردهی

باید در مورد آنچه دشمن به‌صورتی روزمره در حال انجام آن است، حتی اگر دلیل زیادی در این لحظه برای نگرانی از مقاصد دشمن وجود ندارد، ذاتاً شکاک باشد، اگر نگوییم که باید تردید کامل داشته باشد. تحلیل‌گر نشانه‌شناسی تمامی اطلاعات یا گزارش‌های غیرمعمول را برای این احتمال بررسی می‌کند که ممکن است مقدماتی برای اقدام خصمانه یا دیگر فعالیت‌های غافلگیرکننده وجود داشته باشد، حتی اگر شرایط کنونی هیچ علت خاصی را برای هشداردهی نشان ندهد. وی هیچ نوع اطلاعات بالقوه مهم برای هشداردهی را تا زمانی که مطمئن نشده، یا حداقل به‌صورتی منطقی اطمینان حاصل نکرده که شک وی اشتباه بوده، یا توضیحات دیگری برای ناهنجاری وجود دارد، دور نمی‌اندازد. تحلیل‌گر اغلب توضیحات اطمینان‌بخش (یا کمتر نگران‌کننده) را در مورد برخی تحولات غیرعادی که می‌تواند حاوی خبر بدی باشد، نمی‌پذیرد؛ مسئولانه روند تحلیل را طی می‌کند و هوشیاری خود را در مورد ناهنجاری‌های بدون توضیح حفظ می‌نماید و بخش‌هایی از اطلاعات را که بالقوه برای نشانه‌شناسی اهمیت دارند، نگاه خواهد داشت.

فریب، پاشنه آشیل تحلیل

فریب، واقعیتی غیرقابل‌انکار و چالشی جدی در تلاش تحلیل‌گران برای تفسیر صحیح اطلاعات جمع‌آوری‌شده و رسیدن به هشدار واقعی است؛ به‌طوری‌که پاشنه آشیل تحلیل، فریب و ارائه اطلاعات گمراه‌کننده از سوی دشمن است. تحلیل‌گر واقعی باید به ارزیابی دقیق و بررسی انگیزه بالقوه برای فریب‌کاری در اطلاعات بپردازد. در چنین شرایطی بسیار مهم است که مأمور جمع‌آوری اطلاعات چنین اطلاعاتی را تا حد ممکن از منشأهای اطلاعاتی و کانال‌هایی که اطلاعات را از آنها دریافت می‌کند، فراهم نماید؛ زیرا تحلیل‌گر برای تهیه ارزیابی خود کاملاً به چنین ارزیابی‌ها و نظراتی وابسته است. در زمان ضرورت، تشخیص اینکه کدام بخش از گزارش از منابعی تهیه شده است که سرویس‌های اطلاعاتی دشمن ساخته‌اند، از دیگر مشکلات اطلاعاتی است.

عملیات فریب‌کاری نظامی موفق، دامنه‌ای از شوخی یا حيله تا مجموعه پیچیده‌ای از اقدامات به‌هم‌پیوسته و هماهنگ را دربرمی‌گیرد که همگی برای ایجاد اثر گمراه‌کننده بر ذهن

دشمن (یا برای حمایت از مفاهیم اصلی اما غلط) در مورد زمان، ماهیت، توان و مکان حمله ایجاد شده است. پنهان کاری شکلی از فریب کاری نظامی است که از فریب کاری نظامی فعال قابل تفکیک است، هرچند که در ارتباط با یکدیگرند. پنهان کاری زمانی استفاده می‌شود که فرض شود افزایش نیروهای نظامی به خودی خود نمی‌تواند از دشمن پنهان شود؛ بنابراین، هدف آن ارائه برخی توضیحات باورکردنی (به جز تهاجم طراحی شده) برای فعالیت نظامی قابل مشاهده است. این امر متضمن کنار زدن بیانات اشتباه در مورد حوزه یا هدف افزایش نیروی نظامی به منظور پنهان کردن هدف واقعی آماده‌سازی نظامی و منسوب کردن آن به چیز دیگری است. فریب کاری نظامی فعال، یکی از مشکل‌ترین اشکال فریب کاری در هر مقیاس و یکی از موفق‌ترین عملیات‌هاست. اگر اقدامات فریب کارانه سیاسی و امنیتی در فرونشاندن تردیدها مؤثرترین عامل باشند، فریب کاری نظامی فعال به معنای آن است که دشمن را برای به کارگیری نابجای نیروهایش و آماده‌سازی برای حمله در مکان و زمان غلط بفریبیم (علیخانی، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

فریب کاری سیاسی سرآمد تمامی روش‌های فریب است که احتمالاً آسان‌ترین نوع فریب کاری و متداول‌ترین آن است. درحالی‌که ابزارهای سیاسی ممکن است برای غافل‌گیری تاکتیکی به کار روند، این روش ارزش خاصی به عنوان یک ابزار استراتژیک برای پنهان کردن نیت دارد. به علاوه، این ابزار یکی از ابزارهای به صرفه فریب کاری است و امکان افشای آن وجود ندارد، زیرا تعداد بسیار کمی در آن دخیل‌اند. برخی از تاکتیک‌های فریب کاری سیاسی عبارت‌اند از:

۱. فریب کاری مستقیم یا غیرمستقیم که از طریق کانال‌های دیپلماتیک، بیانات رسمی، مطبوعات یا دیگر رسانه‌ها انجام می‌شود. در ساده‌ترین و خام‌ترین نمونه فریب کاری سیاسی، یک کشور هرگونه قصدی را که برای آن در حال آماده شدن است، رد می‌کند و تمامی اتهامات را اشتباه می‌خواند. این روشی است که به طور معمول، به ویژه اگر خطر بسیار زیاد باشد، استفاده می‌شود.

۲. روش دیگر در فریب کاری سیاسی که به ویژه برای فرونشاندن شک‌ها در کوتاه‌مدت به منظور آماده‌سازی نهایی برای حمله استفاده می‌شود، پیشنهاد شروع مذاکره و بحث درباره موضوع است، در زمانی که هیچ قصدی برای دست یافتن به هیچ نوع توافقی وجود ندارد.

۳. در شکل متفاوت‌تر از تاکتیک فریب‌کاری، دشمن متقاعد می‌شود تصمیم جدی برای حمله واقعاً بلوف است. این مورد نوع متداولی از فریب‌کاری است که با قصد به‌دست گرفتن ابتکار عمل و غافل‌گیری به کمک گزینه‌هایی به‌جز جنگ به‌کار می‌رود که فوریت یک بحران را مخفی می‌سازد و قربانی موردنظر را برای این اعتقاد تشویق می‌کند که زمان زیاد و گزینه‌های متعددی دارد.

۴. شکل مشابه و نسبتاً زیرکانه دیگری از فریب‌کاری سیاسی، کم‌اهمیت جلوه دادن جدیت شرایط در دیپلماسی و بیانات عمومی در تلاش برای ایجاد این اثر است که کشور موردنظر منافع حیاتی خود را درخطر نبیند یا روابطش با قربانی موردنظر بسیار خوب یا حتی رو به ترقی قلمداد شود. این امر ممکن است نتیجه تغییر ناگهانی در تبلیغات با لحنی مصالحه‌جویانه و ژست دوستانه در قبال دشمن باشد، بعد از اینکه تصمیم یا حداقل تصمیم احتیاطی برای حمله اتخاذ شود (علیخانی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

تحلیل متکی به قیاس^۱

در تحلیل نشانه‌ها گاهی تحلیل‌گر هشداردهی یک وضعیت تاریخی را با شرایط جاری، قابل قیاس انگاشته و سعی می‌نماید ابهامات شناختی خود را با بهره‌گیری از شناختش نسبت به آن نمونه تاریخی رفع نماید و عناصر ناشناخته زمان حال را با عناصر شناخته‌شده نمونه تاریخی همراه سازد و این در حالی است که قدرت نفوذ یک نمونه تاریخی به‌اندازه‌ای است که از همان ابتدا خود را بر ذهن تحلیل‌گر تحمیل نموده و او را نسبت به ادراک زمان حال در قالب تشابه با گذشته کاملاً شرطی می‌سازد (جی، ۲۰۰۶: ۷۶).

برای نمونه، اگر در تحلیل آشوب‌ها و اغتشاشات اخیر در شهرهای مختلف کشور صرفاً اتکا به یافته‌ها و تحلیل وضعیت آشوب‌های سال ۸۸ گردد و تحلیل‌گران با مقایسه و نتیجه‌گیری این رویدادها اقدام به ارائه هشدار و راهکار نمایند، مسلماً پیامدهای ناخوشایندی را شاهد خواهیم بود. گرچه از شایع‌ترین مصادیق در بهره‌گیری از قیاس می‌توان به سیاست‌گذاران اشاره نمود که از آن

^۱ Analogy

برای درک مسائل استفاده می‌نمایند، ولیکن تحلیل‌گران لازم است در صورت ضرورت برای بهره‌گیری از آن، تنها در طرح فرضیه و یا برجسته‌سازی تفاوت‌ها از روش قیاس استفاده نموده و از نتیجه‌گیری پرهیز نمایند.

۳. موانع ساختاری و ارتباطی

از جمله دلایل مهم دیگر در هشداردهی غلط، ساختار کاملاً مجزا و نبود کانال‌های ارتباطی مطمئن و مستقیم بین حوزه‌های تحلیل و هشداردهی با حوزه سیاست‌گذاران یا تصمیم‌گیران است؛ به طوری که نه نظام هشداردهی به خواسته‌های تصمیم‌گیران آگاهی دارد و نه سیاست‌گذاران از واقعیت‌های میدانی و نشانه‌های مورد تحلیل باخبرند.

در صورتی که جدایی بین تحلیل‌گر و سیاست‌گذار یا فرماندهی نظامی برطرف نشود، هر دو طرف قربانی فرضیات غلط، خطرناک و بنیادی می‌شوند. سیاست‌گذار اغلب به غلط فرض می‌کند که سطوح اطلاعاتی تمام اطلاعات مورد نیاز را دارد و یا مقامات بلندپایه اغلب به اشتباه فکر می‌کنند که بین تحلیل‌گر و سامانه اطلاعاتی مکانیسمی وجود دارد که تمامی اطلاعات عملیاتی و اطلاعاتی را در قالب الگوهای معنادار تنظیم می‌کند و هیچ چیزی نادیده گرفته نشده است. اگر چنین تصویری وجود داشته باشد، اشتباه است.

از سوی دیگر، تحلیل‌گر اطلاعاتی درک جامعی از میزان و اهمیت اطلاعات رد شده یا علت آن ندارد. عدم اشراف بر این امر باعث می‌شود وی اطلاعات مرتبط زیادی را به این علت کنار بگذارد که فکر نمی‌کند مهم باشد، آنها را درک نکرده یا قصد دارد تأیید بیشتری در مورد آنها قبل از اعلام هشدار به رؤسایش داشته باشد و به اشتباه تصور می‌کند که در جایی تمامی اطلاعات ضروری یکپارچه می‌شوند (علیخانی، ۱۳۹۳: ۷۳).

۴. سردرگمی ناشی از حجم اطلاعات

سردرگمی ناشی از حجم اطلاعات دروغ، احتمالاً مؤثرترین تاکتیک در میان انواع فریب‌کاری است. تاکتیک‌های سردرگم کردن و دروغ‌پراکنی برای رسیدن به موفقیت پیچیده نیستند، هر چند که

می‌توانند پیچیده هم باشند. حتی برنامه‌ای ابتدایی برای پر کردن همه‌جا با خبرهای جنگ، چه بسا در منحرف کردن توجه تحلیل‌گران و رؤسای آنها از فعالیت‌های اطلاعاتی سخت و قابل‌اتکایی که نیاز به تمرکز دارند، بسیار مفید باشد. به‌ویژه اگر فضای بحرانی از قبل وجود داشته باشد و برخی گزارش‌ها هیجان‌انگیز اما تا حدی باورکردنی باشند، می‌توانند سردرگمی را تشدید سازند. اگر حجم چنین اطلاعاتی به اندازه کافی زیاد باشد، نظام هشداردهی غالباً درگیر این حجم از اطلاعات شده و در عوض داده‌های مهم و معتبر در بین آنها گم می‌شود و آن وقت داده‌ها وزن درخور خود را پیدا نمی‌کنند...، به‌علاوه، چنین ترکیب عظیمی از اطلاعات موجب فرسودگی تحلیل‌گر می‌شود که همیشه عامل مهمی در شرایط بحرانی است و ممکن است موجب نتیجه‌گیری و هشداردهی غلط گردد.

در این شرایط تحلیل‌گر نظام هشداردهی برای فرار از غرق شدن در میان حجم زیاد اطلاعات باید پیش از آغاز تحلیل از یک پایه معرفتی برخوردار باشد و در مواجهه با موضوعی جدید و ناآشنا، اقدام به گردآوری و مرور نسبتاً غیرگزینشی اطلاعات نموده که نام این فرایند جذب اطلاعات است نه تحلیل آن، چراکه تحلیل زمانی آغاز می‌گردد که تحلیل‌گر آگاهانه خود را درگیر فرایند گزینش، تفکیک و سازمان‌دهی اطلاعات می‌کند.

۵. عدم توجه کافی به علائم ضعیف

علی‌رغم اهمیت توجه به علائم ضعیف و کم‌سو در نظام هشداردهی، ولیکن همیشه این آسیب در تحلیل‌های اطلاعاتی وجود دارد که تحلیل‌گران تحت تأثیر علائم پرتکرار و قابل‌مشاهده قرار گیرند؛ به‌طوری‌که در زمان بروز بحران همیشه غفلت از این علائم را در هشدارهای داده شده می‌توان به‌دست آورد. علامت ضعیف از ابتدا چیز زیادی نمی‌گوید. این تفسیر است که به علامت ضعیف معنا بخشیده و آن را به هشدار پیش‌دستانه تبدیل می‌کند که البته این همان فرایند تقویت علامت ضعیف است. فرایند تحول علائم ضعیف به علائم هشدار پیش‌دستانه، به‌وسیله تفسیر و معنابخشی به علائم ضعیف اتفاق می‌افتد. فرایند تفسیر تقویت، شامل استدلالی جامع، اکتشاف و تعامل بین برخی از افراد، جست‌وجوی اطلاعات تکمیلی و همین‌طور تا حدودی تجسم است (لسکا، اومبر، ۱۳۹۵: ۴۸).

شکل‌گیری و تکوین وقایع، رویدادها و مخاطرات ناگهانی رخ نمی‌دهند، بلکه برای رخداد هر واقعه‌ای از قبل زمینه‌ها، نشانه‌ها و علائمی وجود دارد. در بسیاری از موارد این نشانه‌ها طی یک روند مشهود بروز کرده و منجر به ظهور یک رویداد می‌شوند. بنابراین در نظام هشداردهی در ابتدا این روندها و علائم - که ممکن است موجب بروز تحولات اساسی و شگفتی‌ساز شوند - شناسایی و آنگاه اطلاعات مربوط به آنها (علائم) در لیست نیازمندی‌ها قرار می‌گیرد و داده‌ها جمع‌آوری می‌شود. اما در هر شرایطی، بایستی به علائم ضعیف¹ توجه کرد، به‌ویژه هنگامی که نگران رویدادهایی باشیم که فاقد ویژگی روندی هستند؛ یعنی ظاهراً بدون مقدمه و تراکم و تجمیع عوامل و علل رخ می‌دهند (رویدادهای نوظهور). از قضا این‌گونه حوادث موجبات غافلگیری‌های شدیدتری را فراهم می‌سازند. بنابراین در اینجا باید در پی جمع‌آوری اطلاعات هشداردهنده‌ای بود که «ضعیف» هستند، اما نوید تغییرات مهمی را می‌دهند. این علائم ضعیف معمولاً به سهولت درک و تشخیص داده نمی‌شود؛ بنابراین تعیین آنها و تبدیل آنها به هشدار نیازمند حساسیت‌های بالایی است. تنها راه تشخیص علائم ضعیف، تقویت مبانی نظری با ماهیت استقرائی و تدوین و تنظیم تجارب پیشین است. با ملاحظه نحوه شکل‌گیری و بروز عینی رویدادهای شگفتی‌ساز قبلی در محیط خودی یا غیرخودی، علائم اولیه ضعیف آنها معین و سپس به‌عنوان هشدار در طراحی نظام هشداردهی مدنظر قرار گیرد. چون علائم اولیه ضعیف حکم پیش‌قراولان تغییرات اساسی و رویدادهای غافلگیرکننده بشمار می‌آیند؛ لذا در طراحی نظام هشداردهی همان علائم به‌عنوان هشدار در نظر گرفته می‌شوند (حاجبانی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

یافته‌های تحقیق

برای مدیریت پیامدهای حاصله از هشداردهی غلط بایستی ابتدا این پیامدها و یا آسیب‌هایی که بر اثر هشدار غلط به‌وجود آمده شناسایی و سپس برای کنترل و مهار آن عمل نمود. از این‌رو این موضوع از جامعه نخبگان مورد سؤال و مصاحبه عمقی قرار گرفت که نتایج حاصله با استخراج مفاهیم و به‌صورت کدگذاری در جدول ذیل اشاره شده است:

سؤال	مصاحبه‌شونده	نظریه	مفاهیم	کدگذاری
پيامدها و آسيب‌هاي پيامدها و آسيب‌هاي ناشي از هشدار دهی چیست؟	۱	در هشداردهی ممکن است سه وضعیت باشد: هشدار مانع از بروز رویدادها و یا کنترل آنها می‌گردد، با وجود هشداردهی اتفاقی نمی‌افتد و یا علی‌رغم هشدار حادثه روی می‌دهد که هیچ‌یک از اینها را نمی‌توان هشداردهی غلط دانست.	حالات هشدار	ع ۱۱
		در صورت هشداردهی غلط حساسیت‌ها و توجهات به هشدارهای اصلی کاهش می‌یابد.	کاهش هوشیاری	ع ۱۲
		باعث سلب اطمینان و کاهش اعتماد نسبت به نظام هشداردهی می‌گردد.	سلب اطمینان	ع ۱۳
۲	۲	عملکرد و کارایی نظام هشداردهی را زیر سؤال می‌برد.	ضعف کارایی	ز ۱۱
		اتلاف وقت و هزینه به‌دنبال داشته و غیرقابل برگشت است.	اتلاف منابع	ز ۱۲
۳	۳	باعث کاهش اعتمادبه‌نفس کارکنان نظام هشداردهی می‌گردد.	کاهش اعتمادبه‌نفس	ز ۱۳
		هشداردهی مبتنی بر سطوح آن (ملی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی) و یا از لحاظ جغرافیایی (کشوری، منطقه‌ای، محلی) دارای تنوع آسیب است.	ابعاد هشدار	ح ۱۱
۴	۴	هدر رفتن هزینه‌ها و خسارت بر منابع مادی و معنوی	هدر رفتن منابع	ن ۱۱
		غفلت از آسیب و تهدید واقعی	غافل‌گیری	ن ۱۲
		مشغول سازی حوزه‌های خودی در امور غیرمرتبط	مشغول سازی	ن ۱۳
		کم‌توجهی و کم‌اثر شدن هشدارهای درست	کاهش اعتماد	ن ۱۴

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

۱۱ ر	کاهش اعتماد	هشدار غلط میزان اعتماد به سازمان هشداردهنده و کارکردهای آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.	۵
۱۲ ر	کاهش منابع	اختصاص بودجه به سازمان‌های متولی هشداردهی را کاهش می‌دهد	
۱۳ ر	کاهش اعتماد به نفس	به اعتماد به نفس کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی به شدت لطمه می‌زند	
۱۴ ر	افزایش قدرت تحلیل حریف	ضعف نظام هشداردهی و سازمان‌های اطلاعاتی را برای حریفان آشکار می‌سازد.	
۱۵ ر	مشغول سازی	مشغول سازی و فریب سازمان‌های اطلاعاتی خودی را فراهم می‌کند	
۱۶ ر	کاهش همکاری اطلاعاتی	بر اساس هشداردهی غلط همکاری و تعامل جامعه اطلاعاتی خودی لطمه می‌بیند	
الف ۱۱	محتمل بودن هشدار	فرض کلی در نظام هشداردهی آن است که ارسال هشدار غلط هیچ ایرادی ندارد و حتی تکرار هشدار غلط نیز بلا مانع است.	
الف ۱۲	فریب خودی	هشداردهی غلط ممکن است منجر به فریب گردد.	
الف ۱۳	افزایش قدرت تحلیل حریف	هشداردهی غلط باعث آگاهی حریف از منابع و امکانات و ظرفیت‌های خودی می‌گردد.	
الف ۱۴	تفاوت سطوح هشدار	متناسب با سطح هشداردهی غلط (محدود یا منطقه‌ای)، میزان آسیب نیز متفاوت است	۷
ک ۱۱	غفلت‌گیری و شکست	هشداردهی غلط باعث غافل‌گیری و بروز شکست اطلاعاتی می‌گردد.	
ک ۱۲	کاهش اعتماد	حیثیت نظام هشداردهی نزد مخاطبان صدمه می‌بیند.	
ک ۱۳	کاهش اعتماد به نفس و سرخوردگی	متخصصان و کارکنان نظام هشداردهی دچار سرخوردگی و کاهش اعتماد به نفس می‌گردند.	

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

۱۱ د	غافلگیری	هشداردهی غلط سبب غافلگیری تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران می‌گردد	۸
۱۲ د	اتلاف منابع	به منابع و امکانات بخش‌های عملیاتی و برنامه‌ریز در نظام هشداردهی آسیب وارد می‌گردد	
۱۱ س	کاهش اعتبار و اعتماد	کاهش اعتبار و اعتماد به نظام هشداردهی	۹
۱۲ س	سوءاستفاده مخالفان	سوءاستفاده و موج‌سواری مخالفان و دشمنان	
۱۳ س	اتلاف منابع	افزایش هزینه‌های مادی و معنوی برای نظام هشداردهی	
۱۴ س	فریب	انحراف از اهداف و افزایش آسیب‌پذیری‌ها	
۱۵ س	اختلاف بین جامعه اطلاعاتی	بروز اختلاف بین مدیران و متولیان نهادهای مرتبط	
۱۱ ق	سلب اعتماد	سلب اعتماد به حجیت و صحت مصادر هشدار	۱۰
۱۲ ق	اتلاف منابع	اتلاف انرژی و منابع در نظام هشداردهی	
۱۳ ق	مشغول سازی	مشغولیت بی‌ثمر و امنیتی دیدن غیرضروری و زیان‌آور امور	
۱۴ ق	غافلگیری	انحراف توجه از حوزه‌های خطر	
۱۱ ب	پذیرش خطا در نظام هشداردهی	هشدار فرایندی از ظهور و کشف نشانه تا تثبیت نتایج مدیریت رخدادهاست و اگر هشدار غلط به معنای آن است که تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرنده و مخاطب نیز در فرایند مدیریت هشدار قرار گرفته باشند امری پذیرفته است و لازم است سناریوهای بازگشت به شرایط عادی به اجرا درآید.	۱۱

جدول شماره ۲: نتایج مصاحبه با نخبگان درباره پیامدهای هشداردهی غلط

پس از استخراج مفاهیم و کدبندی آنها اقدام به ترکیب مفاهیم مشترک با در نظر گرفتن بالاترین فراوانی گردید که نتایج حاصله بیانگر مهم‌ترین پیامدهای هشداردهی غلط به شرح جدول صفحه بعد است:

کاهش اعتماد به نظام هشداردهی	۵	کاهش اعتماد به نفس کارشناسان و تحلیل‌گران
اتلاف منابع و امکانات	۶	کاهش همکاری و تعامل بین جامعه اطلاعاتی
غافلگیری	۷	مشغول‌سازی سازمان‌های اطلاعاتی خودی
فریب	۸	افزایش قدرت تحلیل حریف

جدول شماره ۳: پیامدهای هشداردهی غلط

مدیریت پیامدهای هشداردهی غلط

با توجه به نتایج حاصله و به منظور بررسی چگونگی مدیریت پیامدهای ناشی از هشداردهی غلط، نظرات نخبگان حاضر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که در این باره نتایج مجدداً با دسته‌بندی دیدگاه‌های ارائه‌شده و استخراج مفاهیم و کدبندی آنها به شرح ذیل قابل ذکر است:

جدول شماره ۴: اقدام‌های مؤثر در مدیریت پیامدهای هشداردهی غلط

سؤال	مصاحبه‌شونده	نظریه	مفاهیم	کدگذاری
چگونه می‌توان پیامدهای هشداردهی غلط را مدیریت کرد؟	۱	هشداردهی درست مستلزم خبرگی کارکنان (آموزش، تخصص‌گرایی، بازآموزی مداوم، تعهد و وجدان کاری) است.	آموزش و مهارت‌آموزی کارشناسان	ن ۲۱
		هشداردهی مستلزم چابکی سازمانی (تسهیم مسئولیت، تجمیع تجربیات، عدم تداخل و فتاوری روزآمد) است.	چابکی سازمانی	ن ۲۲
		هشداردهی درست مستلزم ادراک صحیح از پیچیدگی یا سادگی موضوع، گستره جغرافیایی و میزان پشتیبانی خارجی است.	مهارت تخصصی کارشناسان	ن ۲۳
	۲	اصلاح فرایند، طراحی علائم، تولید هشدار، انتقال هشدار ضرورت پیدا می‌کند.	اصلاح و بازبینی فرایندها	الف ۲۱
		نسبت به تربیت و آموزش نیروهای نظام هشداردهی باید اقدام گردد.	آموزش و تربیت کارشناسان	الف ۲۲
		نسبت به متناسب نمودن سطح‌بندی هشدار و میزان آمادگی و بسیج منابع اقدام شود.	تناسب‌سازی منابع با سطح هشدار	الف ۲۳

۲۱ ر	بازبینی فرایند جمع‌آوری اطلاعات	فرایند جمع‌آوری اطلاعات مورد کنترل و نظارت قرار گیرد.	۳
۲۲ ر	اصلاح فرایند تحلیل	فرایند تحلیل اطلاعات مورد بررسی و هدایت قرار گیرد.	
۲۳ ر	بازبینی فرایند هشداردهی	فرایندهای هشداردهی از نظر اهمیت و ضرورت صدور هشدار مورد بازبینی قرار گیرد.	
۲۴ ر	پرهیز از هشداردهی تکراری	پرهیز از هشداردهی مکرر مناسبتی، همانند اینکه اکثراً در مناسبت‌های خاص هشدارهایی ارائه ولیکن محقق نمی‌شود و باعث بی‌تفاوتی می‌گردد.	
۲۱ ن	شفاف‌سازی	اطلاع‌رسانی صحیح و دقیق به مشتریان ذی‌نفع و بررسی آسیب‌هایی که از هشدار غلط به‌وجود آمده است.	۴
۲۱ ح	بررسی پیامدهای درازمدت	پیامدهای هشداردهی غلط علاوه بر کوتاه‌مدت، بلندمدت هم است و باید مدنظر قرار گیرد.	۵
۲۲ ح	سنخیت شخصیت تحلیل‌گر	در انتخاب کارشناسان و تحلیل‌گران به ویژگی و شخصیت فردی و منش آنها بایستی اهمیت زیادی داد.	
۲۱ ع	تبیین هشداردهی	اصلی‌ترین روش مدیریت پیامدها، شناخت صحیح هشدار است و اینکه آن را باید از اطلاع‌رسانی تفکیک کرد.	۶
۲۲ ع	آموزش	باید برای شناخت موضوع هشدار و تفکیک آن با موارد غیرهشدار آموزش داد.	
۲۳ ع	اصلاح پیش‌فرض‌های تحلیل‌گران	تصورات ذهنی و پیش‌فرض‌های تحلیل‌گران از اینکه برای زیر سؤال نرفتن بر صدور هشدار اصرار ورزند، اصلاح شود.	
۲۱ ز	ماهیت جزء به جزء گزارش هشداردهی	نسبت به جزء به جزء سازی هشداردهی و تعیین کارکردهای هر جزء اقدام شود.	۷
۲۲ ز	بررسی اهداف هشدار	نسبت به بررسی اهداف آشکار و پنهان، هشدار داده شده و میزان تحقق آنها اقدام شود.	

ک ۲۱	تحمل هزینه شکست	اگر هشداردهی غلط به غافلگیری و شکست بینجامد عملاً امکان مدیریت وجود ندارد.	۸
ک ۲۲	شفاف‌سازی و اعتمادسازی	نظام هشداردهی حسب وضعیت ایجاد شده نسبت به بیان شفاف، صادقانه و حرفه‌ای اشتباه صورت گرفته، اعتراف نماید تا اعتمادسازی ایجاد شود.	
ک ۲۳	ابهام‌سازی برای کاهش قدرت تحلیل حریف	در حالت محدودتری که ضرورت ایجاد می‌نماید با موضوع به صورت سیاسی برخورد کرد و در فضایی مبهم مشکل را مدیریت کرد.	
ذ ۲۱	پیشگیری قبل از هشدار	با کاربرست شیوه‌های علمی و مشاوره با متخصصین از بروز هشداردهی غلط پیشگیری نمود.	۹
ذ ۲۲	پیش‌بینی راهکارهای جبرانی	نظام هشداردهی با فرض احتمال اشتباه بودن هشدار از قبل طرح و برنامه جبرانی داشته باشد (سناریونویسی).	
س ۲۱	تنوع در مدیریت	برای مدیریت پیامدهای هشداردهی غلط روش یکنواخت و نسخه واحدی وجود ندارد.	۱۰
س ۲۲	بهره‌گیری از اصول مدیریت	اصول ثابت مدیریت؛ یعنی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل را می‌توان برای مدیریت پیامدهای هشدار غلط استفاده کرد.	
س ۲۳	آینده‌پژوهی و سناریونویسی	استفاده از روش SOAT، بهره‌گیری از اصول آینده‌پژوهی و سناریونویسی برای مواجه شدن با احتمالات مختلف.	
س ۲۴	اصلاح منش سازمانی	با دانش مدیریت رفتار، نیروی انسانی را در مسیر صحیح منش سازمانی قرار داد.	
ب ۲۱	کنترل پیش‌فرض‌ها	تحلیل‌گر هشدار بایستی بر ذهنیت و پیش‌فرض‌های خود تسلط داشته باشد و در مدیریت هشدار غلط، اصلاح فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مؤثر است.	۱۱

نتایج حاصله از جمع‌بندی نظرات نخبگان حاکمیت که برای مدیریت پیامدهای ناشی از هشداردهی غلط با در نظر گرفتن این امر که احتمال خطا، جزئی از ذات هشدار است و نمی‌توان با فرض اشتباه از دادن هشدار پرهیز کرد اما با کاربرست محورهای اشاره‌شده در چهار بعد دانش، روش، منش و بینش برابر جدول ذیل، می‌توان تا حدود زیادی از عواقب منفی بیشتر آن جلوگیری و تبعات آن را مدیریت نمود.

بازآموزی و آموزش و مهارت‌افزایی کارشناسان و تحلیل‌گران نظام هشداردهی (دانش)	۷	بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده‌پژوهی به‌خصوص سناریونویسی (دانش)
پیش‌بینی احتمال شکست در هشدار و راهکارهای جبرانی (بینش)	۸	شفاف‌سازی در درون برای ایجاد اعتماد به نظام هشدار (منش)
اصلاح و بازبینی فرایند جمع‌آوری اطلاعات (روش)	۹	ابهام‌سازی در برون برای کاهش قدرت تحلیل حریف (روش)
اصلاح و بازبینی فرایند تحلیل (روش)	۱۰	تناسب‌سازی تخصیص منابع با سطح هشدار برای جلوگیری از اتلاف منابع (دانش)
اصلاح و بازبینی فرایند تولید و نشر هشدار (روش)	۱۱	بررسی عواقب درازمدت برای جلوگیری از غافلگیری (بینش)
مدیریت پیش‌فرض‌ها و ذهنیت تحلیل‌گران (بینش)	۱۲	اعتمادسازی با ارتقا و نهادینه‌سازی منش فردی و سازمانی در نظام هشدار (منش)

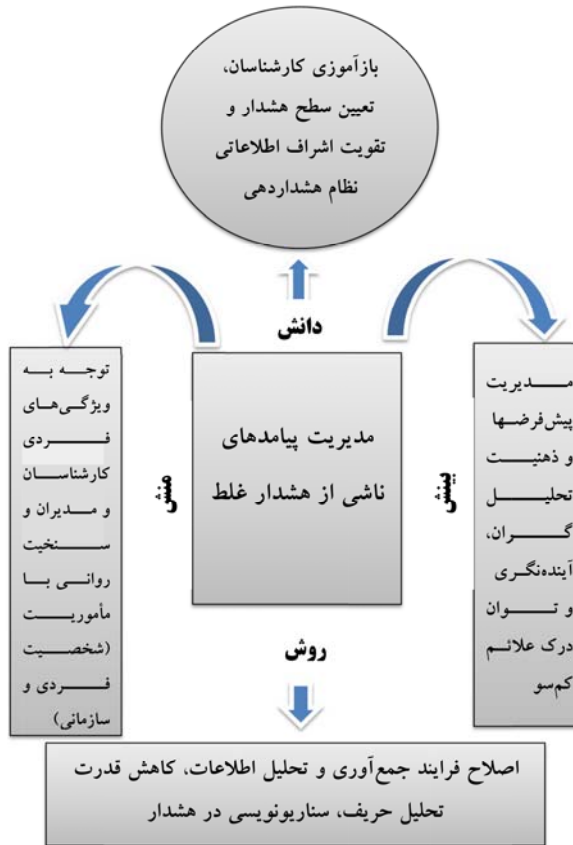
جدول شماره ۵: عوامل مؤثر برای مدیریت پیامدهای ناشی از هشدار غلط

نتیجه‌گیری

هشدار یک تلاش تحقیقی همه‌جانبه است که به سادگی و از طریق گردآوری صرف داده‌ها و نشانه‌ها حاصل نمی‌شود و لازم است داده‌ها و دیگر نشانه‌ها در روندی ضروری مستمراً و به‌دقت جمع‌آوری و تحلیل شوند. تأکید بیش‌ازحد بر اهمیت تحقیقات جامع برای هشدار غیرممکن است. بررسی روند هشداردهی در مورد بحران‌های بزرگ نشان می‌دهد که تعداد زیادی از داده‌های مرتبط با برخی اطلاعات در دسترس بودند، اما به دلایل مختلف، در زمان خود مورد توجه قرار نگرفتند و یا آن‌قدر دیر واصل شده‌اند که هشداردهی غلط روی داده است.

اقدامات متعدد مدیریتی وجود دارد که باید برای حمایت و بهبود فعالیت‌های هشداردهی انجام گیرد. مهم‌ترین اقدام، اطمینان به این امر است که تحلیل‌های مستقل هشداردهی همچون تحلیل‌های معمول یا تخمینی مورد توجه قرار گیرند، به‌ویژه در زمانی که بین این دو دسته تحلیل اختلاف عقیده وجود دارد. از طرفی، گزینش و به‌کارگیری افراد واجد شرایط در نظام هشدار به‌قدری اهمیت دارد که می‌توان به‌وضوح اعلام کرد که دلیل بسیاری از شکست‌ها و هشداردهی‌های غلط، همین موضوع است.

با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحقیق، وجود احتمال خطا جزئی از ذات هشدار است اما به این معنی نیست که بروز خطا از قبل پذیرفته شده باشد. از آنجایی که هشداردهی غلط پیامدهای منفی متعددی از جمله کاهش اعتماد به نظام هشدار، غافلگیری و خسارت مادی و معنوی قابل توجهی دارد و با توجه به جمع‌بندی داده‌های موجود برای مدیریت این پیامدها با اصلاح و بازبینی در چهار بعد دانش، روش، منش و بینش، تا حدود زیادی می‌توان در درون این نظام ضمن مدیریت موضوع از تکرار خطا نیز جلوگیری کرد. در مجموع برای حصول به این نتیجه مدل مفهومی زیر قابل ارائه و پیاده‌سازی است.



منابع و ماخذ:

الف) منابع فارسی:

۱. جی، ریچارد، (۲۰۰۶)، *روان‌شناختی اطلاعات*، ترجمه: محمد حیدری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲. حاجبانی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *هشداردهی: کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیشگیری از غافلگیری*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۳، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. حاجبانی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده* فصلنامه راهبرد، تابستان ۱۳۹۰ شماره ۵۹ - ص ۱۰۷-۷۷.
۴. علیخانی، علی، (۱۳۹۳)، *هشدارشناسی*، تهران: دانشکده اطلاعات، موسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۵. لسکا، اومبرت، (۱۳۹۵)، *علائم ضعیف برای آگاهی راهبردی: ابزار پیشگیری مدیران*، ترجمه: فرزانه میرشاه ولایتی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. لوونتال، مارک ام، (۱۳۸۷)، *فرایند اطلاعات: از اسرار تأسیسات*، ترجمه علیرضا غفاری، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
۷. معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات، (۱۳۹۴)، *تحلیل هشدار*.
۸. معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات، (۱۳۹۴)، *نوسازی و تحول در اطلاعات*.

ب) منابع لاتین:

Arthur S. Hulnick; "Indications and Warning for Homeland Security: Seeking a New Paradigm", International Journal of Intelligence and Counterintelligence, vol. 18, No. 4, winter 2006, pp, 593 -608.

Graboo, Cynthia, (2010) Handbook of Warning Intelligence
(Assessment the Threat to National Security), Forward by Jon Goldman.
Karta Douw, Hindrik Vondeling a1, Jan Sorensen Torben Jorgensen
and Helga Sigmund, (2004).

